

بیانیه فعالان فرهنگی-سیاسی به مناسبت سالگرد انقلاب مشروطه و

کودتای ۲۸ مرداد

به نام خداوند بخشنده مهربان

تاریخ معاصر ایران به یک اعتبار تاریخ تلاش یک ملت به منظور اعمال حاکمیت قانون، محدود و پاسخگو کردن قدرت زمامداران، تحقق مردمسالاری و نفی سلطه خارجی بوده است. در این مسیر ملت ما ناگزیر از رودررویی با دو مانع اصلی بوده است. از یک سو حکومت‌های استبدادی یا دیکتاتوری (قدرتی که منوط و مشروط به هیچ قانون یا قرارداد اجتماعی نیست، یا به نمایندگی اقلیت اعمال می‌شود) که بر این کشور مسلط بودند، از حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش و نظارت موثر آنان بر قدرت جلوگیری می‌کردند. از سوی دیگر برخی قدرتهای خارجی که این ملت را دست‌نشانده می‌خواستند و به منابع طبیعی و بازار مصرف و موقعیت راهبردی آن طمع داشته‌اند، با خود مدیریتی مردم ایران مقابله کرده‌اند.

مرداد ماه برای ملت ما یادآور دو خاطره، یکی شیرین و دیگری تلخ است، اما هر دو در جهت همان تلاش تاریخی قابل درک و تفسیراند. ۱۴ مرداد ماه یادآور پیروزی انقلاب مشروطیت است؛ نهضتی که یک قرن از آن می‌گذرد و ۲۸ مرداد ماه یادآور شکست نهضت ملی ایران در نتیجه کودتا و اتحاد دیکتاتوری داخلی و سلطه خارجی است؛ کودتایی که اینک ۵۰ سال از آن می‌گذرد.

مردم مسلمان ایران پس از آنکه در جریان جنبش تنباکو برای نخستین بار توانستند، نه تنها یک مستبد بلکه نظام استبدادی را نیز به عقب‌نشینی وادار کنند، دریافتند که می‌توانند در برابر رأی حاکم مستبد ایستادگی کنند و رأی او را بشکنند. بر پایه همین اعتماد به نفس و در سایه روشنگری علما و روشنفکران مخالف استبداد، این ملت سرانجام توانست با پیروزی در انقلاب مشروطه، اساس دموکراسی پارلمانی را در ایران بنیاد گذارد.

تا پیش از انقلاب مشروطه در نظام حکومتی کشور (استبداد ایرانی) افرادی که در رأس حکومت قرار می‌گرفتند، معمولاً در مقابل ملت تعهد و مسئولیتی نداشتند و در حکومت کردن مقید به قانون و اخلاق نبودند. در حکومت استبدادی، مقررات حاکم بر سرنوشت مردم ناشی از اراده شاه بود که می‌توانست در هر لحظه بدون کوچکترین تشریفات و اشکالی تغییر کند. در انقلاب مشروطه، آزادیخواهان ایران به منظور تحقق «عدالتخانه» و «حکومت قانون» قیام کردند، یعنی می‌خواستند ضوابطی بر اجتماع حاکم شود که هر روز با اشاره شاه مستبد تغییر پیدا نکند. هدف انقلاب مشروطه هنوز هم برای ملت ما گرامی است.

پیروزی انقلاب مشروطه از نظر شیوه کار نیز برای مردم ما بسیار آموزنده بوده است. انقلاب مشروطه نشان داد که یک ملت متحد می‌تواند به‌رغم مخالفت بیگانگان، اهداف مورد نظر خود را پیش برد و حتی تهدید بیگانگان را با مدیریت راهبردی، به فرصت برای پیشرفت خود تبدیل کند. به علاوه، انقلاب مشروطه نشان داد که اسلام این ظرفیت را دارد که با تفسیر دین‌شناسان و عالمان وارسته و مستقل از

زامداران خودسر، برابری حقوقی، تکثر، رقابت‌های فکری و سیاسی و رعایت حقوق اقلیت‌ها را تأیید کند و به آنها مشروعیت بخشد. این درسی است برای همه آزادیخواهان ایرانی که به جای دین‌ستیزی و مترادف گرفتن تفسیرهای اقتدارگرایانه از اسلام با اصل دین، به بازخوانی اسلام و استخراج و پالایش این میراث ملی همت گمارند. این بهترین راه پیوند عمیق روشنفکران و فعالان سیاسی با توده‌های مردم است.

اگر چه پس از درگیری میان نیروهای خواستار مردمسالاری و جریان‌های هوادار دیکتاتوری پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹، در نهایت با تغییر سلطنت در سال ۱۳۰۴، طرفداران دیکتاتوری به قدرت رسیدند، اما تجربه مشروطه و قانون اساسی آن تا سالها مبنای مشروعیت‌بخشی و جهت‌دهی به مبارزات آزادیخواهانه ملت ایران بود.

با سقوط مظهر استبداد در شهریور ۱۳۲۰ شمسی، فرصتی پدید آمد تا نوعی مردمسالاری ناقص در جامعه مستقر گردد. نهضت ملی ایران از این فرصت حداکثر بهره‌برداری را کرد و برای تأمین منافع ملی، استقلال و تحکیم مردمسالاری در ایران کوشید و در شرایط سخت آن زمان، به پیشرفت‌های بزرگی دست یافت. اما هجوم دشمنان داخلی و خارجی به نهضت ملی و ضعف‌ها و اشتباه‌های طرفداران آن سرانجام به کودتای ۲۸ مرداد و حاکمیت دوباره دیکتاتوری منجر شد. تجربه تلخ کودتای ۲۸ مرداد نیز برای مردم ما درسهای بسیاری در بر دارد.

ملت ما به یاد می‌آورد که چگونه دو ابرقدرت نظامی، اقتصادی، علمی، فنی و سیاسی جهان در آن برهه دست به دست هم دادند و با طراحی و اجرای کودتای مشترک علیه دولت قانونی و ملی دکتر مصدق و با نقض آشکار منشور سازمان ملل متحد و سایر معاهدات بین‌المللی، یک حکومت سرکوبگر، فاسد و تحت‌الحمایه را بر کشور حاکم کردند. ایرانیان از یاد نمی‌برند که شعارهای دفاع از آزادی و مردمسالاری چگونه قربانی منافع ناشی از غارت ثروتهای ملی آنان شد.

درس دیگری که ملت ما از آن تجربه تلخ گرفت این بود که چگونه خشونت‌ورزی و رفتار غیرقانونی در همه اشکال سرانجام در خدمت پایمال کردن منافع و مصالح ملی قرار می‌گیرد. مجموعه تحریک‌ها و اغتشاش‌های خیابانی، حادثه آفرینی‌ها، آدم‌ربایی‌ها و قتل‌ها، چه هنگامی که زیر پوشش سوسیالیسم و ضدیت با امپریالیسم صورت می‌گرفت و چه آنگاه که پوشش اسلامی و اصول‌گرایی به خود می‌داد و چه زمانی که با شعار ملیت‌گرایی به میدان می‌آمد، در خدمت تضعیف حاکمیت قانون و اقتدار دولت ملی قرار گرفته است.

تجربه نهضت ملی ایران، همچنین نشان‌دهنده قدرشناسی ملت از سیاستمدارانی است که در عین انعطاف‌پذیری و خردگرایی، به اصولی ارزشمند وفادار بوده‌اند و با تغییر شرایط، آنها را در پای منافع و مصالح زودگذر قربانی نکرده‌اند. دولتمرد ماندگار، سیاستمدار واقع‌بین و در عین حال پای‌بند به آرمانهای مشخص و تعریف شده است. تنها چنین سیاستمدارانی می‌توانند مورد اعتماد مردم قرار گیرند و در نتیجه، حمایت و مشارکت آنان را جلب کنند و در جهت دستیابی به هدف‌های والا سامان دهند. یک سیاستمدار اصیل هیچگاه در چالش‌ها و چانه‌زنی‌های جاری سیاسی آرمان‌ها و موازین اخلاقی خود را زیر پا نمی‌گذارد. در مقابل آنانی که دستی در کودتای ۲۸ مرداد داشته و برای تبرئه خود از مشارکت در آن توطئه ملی و ضد استقلال دست به دامان دشمنان ایران می‌شوند، در پیشگاه ملت و تاریخ این سرزمین محکومند.

ملت ما اینک وارث یک قرن تجربه تلخ و شیرین است. آیندگان از ما نخواهند پذیرفت که به گونه تازه‌واردان عرصه سیاست عمل کنیم. مبتنی کردن اقدام‌ها و تصمیم‌گیری‌های سیاسی امروز به تجربه عمیق گذشته تنها راه خروج از بحران‌های کنونی و حفظ منافع و مصالح بلند مدت ملی است. امضاکنندگان این بیانیه به برخی از تجربه‌های گرانبها که با تلاش‌های ارزنده و به بهای سلامتی، جان و اسارت عزیزترین فرزندان این ملت به دست آمده‌اند، اشاره می‌کنند، به این امید که ملت ایران کوشش و پوییش افتخارآمیز یک قرن اخیر را با هوشیاری ادامه دهد.

۰۱ محدود شدن قدرت و پاسخگو بودن زمامداران خواسته بر حق یک صدساله ملت ایران است. مردم ما کوشیده‌اند قدرت مقام‌ها از لحاظ گستره، روش‌های مجاز و زمان محدود شود و فرایند جابه‌جایی مسالمت‌آمیز صاحبان قدرت نهادینه گردد. به علاوه، در ازای هر اختیار یا اقتدار اعطا شده به دولتمردان، بر مسئولیت و پاسخگویی آنان نیز تاکید شود. همچنین برای تحقق پاسخگویی، حقوق شهروندان تضمین، نهادهایی تأسیس و امکان نظارت عمومی و موثر بر آن تأمین شود. این باور روح حاکم بر قانون اساسی مشروطیت و نیز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوده است. اما در شرایط کنونی، این خواسته بر حق، یعنی اصل مردمسالاری و میزان بودن رای ملت در معرض انکار و نفی قرار گرفته است. برای مثال، بخش عظیمی از قدرت در کشور ما در اختیار رهبری و نهادهای منصوب ایشان قرار داد. اما در عمل با بی‌توجهی نهاد مسئول (مجلس خبرگان) راه قانونی برای نظارت و مسئولیت‌خواهی ملت وجود ندارد. به‌ویژه در سالهای اخیر، به گونه‌ای عمل شده است که مردم روش نهادینه و امنی برای اعتراض به عملکرد مسئولان درجه اول نظام پیدا نکنند و نتوانند از تکرار اقدام‌هایی که از نظر عموم مردم ناپذیرفتنی است، جلوگیری کنند. حاصل تداوم چنین شیوه‌ای برخلاف ظاهر، بیانگر بنیان، استحکام و پایداری حکومت نیست، بلکه سوق دادن کشور به سوی بلوا و هرج و مرج و خشونت است.

۰۲ ملت ایران همانطور که به قیم داخلی نیاز ندارند، نیازمند قیم و سرپرست خارجی نیز نیست. تجربه تلخ مردم ما در زمینه عملکرد ابرقدرت‌ها (به ویژه آمریکا و انگلیس)، چه در کودتای ۲۸ مرداد، چه در دوران حکومت فاسد و اصلاح‌ناپذیر پهلوی و چه در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، نشان داده است که به هیچ وجه نباید دل به شعارها و ادعاهای ظاهر فریب بست و رستگاری ملی را در دخالت خارجی جستجو کرد. ما مفتخریم که فرزندان ملت بالغ و رشیدی هستیم که در یک قرن گذشته دو انقلاب پرشکوه و دو نهضت اصلاحی عظیم را آفریده است. بنابراین، امیدواریم که با جلب مشارکت همه قشرها و سازماندهی کارآمد شهروندان به خواسته‌های تاریخی خویش دست یابیم. ما نیازمند اراده، آگاهی و انسجام همگانی و ملی هستیم و نه حاکمیت نیروهای بیگانه. تنها کسانی سلطه خارجی را در ایران آزادیبخش می‌خوانند که چشمان خود را بر تجربه تاریخی میهن عزیزمان بسته باشند.

۰۳ از نظر امضاکنندگان این بیانیه خواسته‌های یک ملت باید سیر تکاملی ببیماید. پس در هر دوره از خیزش و جنبش ملی لازم است مطالباتی مطرح شود که نسبت به اهداف مرحله‌ی قبل گامی به پیش محسوب شود. بنابراین، ما طرح آرمان‌های مادون آزادی، حقوق بشر، مردم‌سالاری و جمهوریت را به عنوان اهداف ملت ایران، نفی تلاش‌ها و دستاوردهای یکصد ساله مردم و توهین به آنان می‌دانیم. چرا که ملت ایران یک قرن است که نشان داده است استحقاق حاکمیت بر سرنوشت خویش را دارد و در پی

سازماندهی سیاسی است تا امکان تکرار تجربه تاریخی نظام‌های سیاسی اصلاح‌ناپذیر، سرکوبگر و فاسدی چون نظام پادشاهی را از میان بردارد. جمهوریت بهترین ظرف برای تحقق چنین خواسته‌ای است. ۰۴ در دوران دشوار کنونی، مردم ایران بیش از پیش به امید و همدلی و گفت‌وگو برای تفاهم ملی نیاز دارند. بر طبل ناامیدی کوبیدن، طرح خواسته‌هایی که امکان تحقق آنها در حال حاضر وجود ندارد، افکندن مسئولیت مشکلات بر گردن یکدیگر، بی‌اعتقادی به توانایی‌ها و اقدام‌های تاریخی ملت، پراکندن بذر ناامیدی نسبت به اصلاح امور و... نتیجه‌ای جز انفعال و خارج کردن مردم از صحنه ندارد.

از آنجا که در برهه‌ای حساس به سر می‌بریم، امضاکنندگان این بیانیه اعلام می‌کنند زمینه‌سازی برای مشارکت گسترده مردم در فعالیت‌های سیاسی می‌تواند شکاف دولت-ملت را کاهش دهد و بیگانگان را از هرگونه ماجراجویی باز دارد. پس، وظیفه همه مسئولان نظام می‌دانیم که زمینه مشارکت گسترده مردم و رقابت سالم نیروهای سیاسی را فراهم آورند و با رعایت حقوق همه افراد و گروه‌ها و احزابی که مایلند در چارچوب قانون اساسی فعالیت سیاسی داشته باشند و تضمین باز بودن دست منتخبان ملت برای تصویب طرح‌ها و لوایح به سود کشور و مردم آنگونه که خود تشخیص می‌دهند، امکان حضور میلیونی شهروندان را در حوزه‌های اخذ رای، همچون خرداد ۷۶، فراهم آورند، تا تغییر داوطلبانه رفتار مسئولان، تغییر اجباری ساختار نظام را به آنان تحمیل نکند.

تلاش برای آشتی ملی در جهت حاکمیت مردم، آزادی فعالان سیاسی، دانشجویی، فرهنگی، وکلا و روزنامه‌نگاران، رفع توقیف از مطبوعات، لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان، اصلاح مدیریت و ترکیب نهادهای انتصابی، عزل متجاوزان به حقوق شهروندان، تصویب مصوبات مجلس و ... حداقل گام‌هایی است که نشان خواهد داد مدیریت کلان کشور تصمیم گرفته است به مطالبات مردم پاسخ عملی دهد.

(۲۸ مرداد ماه ۱۳۸۲)

اسامی امضاءکنندگان بیانیه:

زهره آقاجری، ناصر آملی، دکتر غلام‌حیدر ابراهیمی‌سلاسی، دکتر نعمت احمدی، حسن اربابی، دکتر ی‌الله اسلامی، مقصود اعظمی، محمدجواد اکبرین، دکتر محمد علی‌اکبری، حسین انصاری‌راد، محمدعلی ایازی، مهندس مصطفی ایزدی، مهندس ابوالفضل بازرگان، فرشته بازرگان، عمادالدین باقی، محمد بسته‌نگار، محمد بهزادی، رحمان بهمنش، دکتر محمدحسین بنی‌اسدی، صفا بیطرف، حسین پایا، دکتر علی پایا، دکتر مسعود پدram، دکتر حبیب‌الله پیمان، دکتر علی تاجرنیا، سیدمصطفی تاج‌زاده، مصطفی تنها، رضا تهرانی، دکتر غلامعباس توسلی، مهندس محمد توسلی، مهندس مجید تولایی، جلال جلالی‌زاده، دکتر حمیدرضا جلالی‌پور، دکتر سعید حجاریان، فاطمه حقیقت‌جو، علی حکمت، ابوالفضل حکیمی، مجید حکیمی، مسعود حسینی، مهندس امیر خرم، دکتر سیدمحمدعلی دادخواه، محمد دادفر، حاصل داسه، محمدحسین درودیان، مصیب دوانی، دکتر محمدعلی رادی، دکتر رضا رییس‌طوسی، دکتر علیرضا رجایی، عبدالعلی رضایی، احد رضایی، دکتر حسین رفیعی، دکتر فیاض زاهد، محمدرضا زهدی، مهندس عزت‌الله سبحانی، عیسی سحرخیز، دکتر عبدالکریم سروش، ابراهیم سلطانی، عبدالفتاح سلطانی، دکتر سیدمحمد سیف‌زاده،

دکتر وحید سینایی، حسین شاه‌حسینی، دکتر محمد شریف، سعید شریعتی، ماشاءالله شمس‌الواعظین، مهندس هاشم صباغیان، دکتر احمد صدرحاج‌سیدجوادی، عباس صفایی‌فر، دکتر فضل‌الله صلواتی، کیوان صمیمی، اعظم طالقانی، دکتر حسام طالقانی، مهندس اکبر طاهری، مهندس محمد طاهری، دکتر علیرضا علوی‌تبار، مهندس محمدجعفر عمادی، دکتر علی‌اصغر غروی، دکتر مسعود غفاری، مهدی غنی، محمدتقی فاضل‌میبدی، دکتر غفار فرزندی، کریم فتاح‌پور، دکتر حسن فریداعلم، دکتر مرتضی فلاح، احمد قابل، هادی قابل، دکتر حاتم قادری، دکتر رحمانقلی قلی‌زاده، دکتر نظام‌الدین قهاری، دکتر مصطفی قهرمانی، مرتضی کاظمیان، دکتر محسن کدیور، منوچهر کدیور، فاطمه کمالی‌احمدسرایبی، محمد کیانوش‌راد، بیژن گل‌افرا، حسین لقمانیان، مهندس محسن محقق، سعید مدنی، محمد محمدی‌اردهالی، رجبعلی مزروعی، مصطفی مسکین، مهندس غلامرضا مسموعی، محمدجواد مظفر، مهندس علی‌اکبر معین‌فر، احمد منتظری، سعید منتظری، خسرو منصوریان، سیدابوالفضل موسویان، دکتر یوسف مولایی، محمود مؤمنی، مهندس امیر میرخانی، غلامحسین نادی، رحمان نامجو، مهندس محمود نعیم‌پور، دکتر ناصر هادیان، دکتر هادی هادی‌زاده، مهندس علیرضا هندی، دکتر حمید وحید دستجردی، دکتر ابراهیم یزدی، دکتر رضا یوسفیان